



Research Paper

The role of the governors and aristocrats in the identification of art in Seljuq era (Case study: Pottery)

Atiyeh Shaabani ¹, Fattaneh Mahmoodi*²

¹ Graduate Master of Archaeology, Department of Art Research, Faculty of Art and Architecture, Mazandaran University, Babolsar, Iran.

² Associate Professor, Department of Art Research, Faculty of Art and Architecture, Mazandaran University, Babolsar, Iran.



10.22080/jiar.2020.3092

Received:

Jun/03/2024

Revised:

Aug/22/2024

Accepted:

Sep /11/2024

Keywords:

Seljuq Dynasty, Art
Sponsors, Aristocrats and
Governors, Seljuq Art
Content

Abstract

While describing the artistic atmosphere of Iran after the Muslim Conquest, the Seljuq era is so remarkable due to the abundance artwork and the unique style. The religious prejudices derived from the Sunni teachings among aristocrats and noblemen, along supporting the expansion and promotion of religious and educational places, also with the limitations in decorating the artworks, have all led to the rise of new innovations in creating artwork in this era. However, due to the abundant interest of aristocrats in Persian literature and astronomical sciences, the artists were encouraged to create their artwork in these two categories. The purpose of this research is to investigate the role and the impact of the Seljuq aristocrats and governors, on the content and the process of manufacturing the artwork, by studying the artistic evidence and citing the historical data. In conclusion, it appears that the governors and aristocrats who were following their religious and political tendencies with the purpose of driving back to their ancestor's ideology, and also to expand their cultural and economic interactions with other nations, have interfered with the manufacturing process of artworks and led it to their desirable direction.

*Corresponding Author: Fattaneh Mahmoodi

Address: Graduate Master of Archaeology,
Department of Art Research, Faculty of Art and
Architecture, Mazandaran University, Babolsar, Iran.

Email: f.mahmoudi@umz.ac.ir



مقاله پژوهشی

نقش حکام و اشراف، در تعیین هویت هنر دوره سلجوقی (مطالعه‌ی موردی هنر سفالگری)

عطیه شعبانی^۱، فتانه محمودی^{۲*}^۱ دانش آموخته کارشناسی ارشد پژوهش هنر، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.^۲ دانشیار گروه پژوهش هنر، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.

10.22080/jiar.2020.3092

چکیده

در تشریح فضای هنری ایران پس از ورود اسلام، دورهی حکومت سلجوقیان به دلیل فراوانی آثار هنری تولید شده و برجای مانده از آنان و تبلور سبک و سیاقی ویژه در این آثار، از اهمیت بسزایی برخوردار است. تعصبات مذهبی متأثر از آموزه‌های اهل سنت در میان طبقه‌ی حاکم و بزرگان سلجوقی، ضمن حمایت از ترویج و توسعه فضاهای مذهبی و آموزشی، با ایجاد محدودیتهایی در پرداخت و تزئین آثار هنری، باعث شکوفایی و بروز خلاقیت‌های نو در آفرینش‌های هنری این عصر گردید. از طرفی علاقه‌ی وافر این طبقه به زبان و ادب پارسی و علم نجوم هنرمندان را به خلق آثاری متأثر از این دو مقوله سوق داد. در این پژوهش سعی بر آن است تا با بررسی شواهد هنری برجای مانده از این دوره و با استناد به قراین تاریخی به تبیین نقش و کیفیت تأثیرگذاری اشراف و حکام سلجوقی بر مضامین و روند تولید آثار هنری پرداخته شود. در نتیجه‌ی فرآیند پژوهش، چنین به نظر میرسد که حکام و وزرا عهد سلجوقی به تبعیت از گرایش‌های مذهبی و سیاسی و با هدف رجعت به آرمانهای نیاکان خود و گسترش تبادلات تجاری و فرهنگی با دیگر ملل، معیارها و سلايق خود را در روند تولید آثار هنری دخیل نموده و آن را به سمت سویی مشخص هدایت مینمودند.

دریافت:

۱۴۰۳/۰۳/۱۳

بازنگری:

۱۴۰۳/۰۵/۲۹

پذیرش:

۱۴۰۳/۰۶/۲۰

کلیدواژه‌ها:

سلسله‌ی سلجوقیان، حامیان هنری، اشراف و حکام، مضامین هنر سلجوقی.

* نویسنده مسئول: فتانه محمودی

آدرس: دانشیار گروه پژوهش هنر، دانشکده هنر و معماری،

دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.

ایمیل: f.mahmoudi@umz.ac.ir



۱ مقدمه

دلایل شکل‌گیری یک اثر هنری و ویژگی‌های آن علاوه بر خلاقیت‌های فردی هر هنرمند، ارتباطی مستقیم و محکم با جامعه‌ی مخاطب و حامیان خویش دارد. هر اثر هنری، در تعامل با بسترهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه‌ی مولدش و در تلاش جهت تأمین سلیقه‌ی حامیان و مخاطبان خویش ویژگی‌های خود را دریافته و به تغلیظ آنان می‌پردازد. در ایران پس از ورود اسلام، مخلوقات هنری در این فراز و نشیب، یا شکوفا شده و به مرحله‌ی بالندگی رسیدند یا در جدال با محدودیت‌ها و منش‌های نوظهور درگیر زوال شده و به فراموشی سپرده شدند. در این میان حامیان هنر در دوره‌های مختلف نقشی بسزا و در خور تأمل در ایجاد و گسترش گونه‌های مختلف هنری داشتند؛ نقشی که به مدد قدرت و ثروت طبقه‌ی حاکم و اشراف جامعه پرنرنگ‌تر و قوی‌تر از همیشه می‌شد؛ تا به آنجا که در برخی دوره‌ها هنر و هنرمند در انحصار کاخ‌نشینان و ثروتمندان قرار گرفته، به تأمین سلیق و علایق شخصی آنان می‌پرداخت. با این تفاسیر بررسی نقش این طبقه به عنوان یکی از بزرگترین حامیان هنر در شکل‌گیری گونه‌های مختلف هنری و سبک‌های متفاوت آن در هر دوره، با استفاده از اسناد و مدارک تاریخی شایان توجه است.

در دوره‌ی سلجوقی با یک تحول هنری بزرگ رو به رو هستیم. تحولی که شاید بتوان در قیاسی منصفانه‌تر آن را یک انفجار هنری نامید. طبقات اجتماعی حاکم و مرفه جامعه به طور مستقیم و یا غیر مستقیم در شکل‌گیری این تحول، نقشی به‌سزا ایفا نمودند. تقلید و انتشار الگوهای هنری عهد ساسانی با انگیزه‌ی ایجاد پایگاه اجتماعی و فرهنگی لازم در کنار تشدید و تعمیق شکاف طبقاتی موجود در جامعه و تأمین قریحه‌ی تجمّل‌گرایی این قشر، به شکلی مستقیم و بی‌واسطه هنرمندان را در فضایی متمرکز گرد هم آورد تا ضمن عبور از فضای هنری راکد پیشین، به خلق ایده‌های نو در تعامل با قالب‌های فکری مذهبی و اجتماعی مخاطبان خویش

بپردازند. از طرفی باور مثبت فکری توانمندان جامعه از دیدگاه مذهبی و اجتماعی در مورد توسعه‌ی فضاهای مذهبی و آموزشی و آرایش و تجمّل ظاهری آن از یک سو و شکل‌گیری و استمرار پایگاه‌های شهری و به تبع آن مراکز تجاری توسعه یافته و مانا از سوی دیگر، راه را برای نفوذ بیشتر روح هنر در بطن جامعه گشود و فضایی گسترده‌تر از پیش در پذیرش آثار هنر ایجاد کرد.

اهمیت درک موضوع مذکور به مدد اسناد تاریخی و گزارشات اجتماعی دوره‌ی سلجوقی و شناسایی و تحلیل مولفه‌های هنری متأثر از آن در آثار هنری این دوره، در شناخت و تبیین جریان هنری غالب قرون ۵ و ۶ هجری، گامی بزرگ است. در این پژوهش سعی بر آن است تا با تطبیق حقایق تاریخی و اجتماعی برهه‌ی زمانی مورد مطالعه و مفاهیم و مضامین هنری نهفته در آثار شاخص دوره‌ی سلجوقی، به بازشناسی الگوهای هنری غالب و دلایل موفقیت آن در توسعه‌ی فضای هنری این دوره پرداخته شود.

۲ اوضاع مذهبی، اجتماعی و فرهنگی سلجوقیان

سلجوقیان همانند حکام سامانی و غزنوی از طریقت اهل تسنن پیروی نموده و به دفاع از جایگاه خلفای عباسی^۴ - که قدرت سیاسی خود را از دست داده و به حکومت‌های نوظهور روی خوش نشان می‌دادند - پرداختند (حاتم، ۱۳۷۸: ۱۲). مستوفی، در مورد سلجوقیان می‌نویسد: «سلجوقیان سنی پاک‌دین و نیکو اعتقاد بودند» (مستوفی، ۱۳۶۴: ۴۲۶). آن‌ها نسبت به اهل سنت تعصب می‌ورزیدند و با مخالفان با شدت عمل برخورد می‌کردند. «غزالی» در ورای آرمان حکومتی سلجوقیان، تسنن اسلامی را جای داد. در این زمان تشیع آل‌بویه اقتدار سیاسی خود را از دست داده بود و پیروان سنت در سرزمین‌های ایران و عراق از حمایت کامل حکام سلجوقی برخوردار شدند و نیروی فکری زنده و پیشرونده بر



پا کرده و جریان‌های مختلف فکری را در هم تنیدند (آژند، ۱۳۹۰: ۱۲۱).

در این دوره، افزون بر شکوفایی فکری و فرهنگی، تجارت و کشاورزی نیز در ایران رونق داشت. حکومت به نسبت با ثبات و کار آمدی که تحت رهبری سلجوقیان استقرار یافت، موجب شد تا طبقات مختلف مردم در امنیتی نسبی به زندگی و مشاغل خود ادامه دهند (لمبتون، ۱۳۹۰: ۲۰۲). توسعه فضای کار و صنعت، بزرگداشت جایگاه تصوف و استفاده از غلامان، سبب شد که جامعه به طبقات مختلفی همچون طبقه‌ی غلامان، صنعتگران، کارمندان، تجار، فقها، سپاهیان، صوفیان و طبقه فقرا شکل تقسیم شود (حلمی، ۱۳۸۳: ۱۴۹).

منتفذترین و محترم‌ترین بخش جمعیت محلی گروهی بودند که طبقات مذهبی را تشکیل داده و پیروان زیادی در میان مردم داشتند (لمبتون، ۱۳۹۰: ۲۶۴). در کنار علمای مذهبی صوفیان نیز نزد کلیه‌ی طبقات مردم محترم بودند و در طرایق و اصناف شناخته شده‌ای سازمان یافته بودند (همان: ۲۶۵). بازرگانان در زمره‌ی «اعیان و محتشمان» به شمار می‌آمدند. اما تجار خرده پا از طبقه‌ی اصناف پیشه‌ور و بازاریان بودند. جامعه‌ی بازرگانان و صرافان از مهمترین گرداندن چرخه‌های مالی کشور محسوب شده که در حواشی شهر یا در خود بازار به امور مربوط به کسب و کار خود می‌پرداختند.

تعداد مدارس، مساجد و دیگر بناهای مذهبی ساخته شده در این عهد، میزان اوقاف آن‌ها و هزینه‌هایی که صرف علما، طلاب و دیگر امور خیریه می‌شد، تا پیش از این سابقه نداشت (راوندی، ۱۳۶۴: ۱۳۴).

سلجوقیان تا پایان سلطنت خویش، هرگز پایبند پایتختی همیشگی و ثابت نبودند. آن‌ها در مقام سرکردگان یک امپراطوری وسیع با آب و هوا و اقالیم مختلف، از بیابان‌ها و استپ‌های سرزمین‌های شمال

سوریه و عراق تا کوهستان‌ها و فلات ایران، همواره دست به بیلاق و قشلاق می‌زدند که بازتابی از زندگی چادرنشینی آن‌ها بود (آژند، ۱۳۹۰: ۱۳۳).

در دولت سلجوقی امکان دستیابی مردم از طبقات مختلف به دربار و امور دولتی فراهم بود. در صورتی که فردی دارای همت و دانش و زیرکی، به آسانی می‌توانست نردبان ترقی را پیموده و به مدارج بالا برسد. ذکر شده که «نظام‌الملک» بزرگترین وزیر سلجوقیان پسر یک دهقان از اهالی طوس بود. وی در دستگاه «آلب ارسلان» و «ملک‌شاه» قدرت و نفوذ فراوانی یافت و فرزندان و دامادان و غلامان خود را به حکومت در مناطق مختلف فرستاد (عقیلی، ۱۳۳۷: ۱۵۶). از دیگر وزرای این دوره که در دستگاه سلجوقی دارای نفوذ و قدرت فراوان شد، «درگزینی» وزیر «سلطان محمود بن ملک‌شاه» بود. او در ابتدا کشاورز بود و با زیرکی به مقامات عالی رسید و به مسند کشورداری تکیه کرد (بنداری اصفهانی، ۱۳۵۶: ۱۶۸). در بین وزیران سلجوقی به بازرگانان نیز بر می‌خوریم. از وزیر انتظار می‌رفت که از علما و دانشمندان حمایت کند و ابواب خیر راه بیندازد و اعمالی که نفع و علاقه در آن باشد انجام دهد تا نفوذش افزایش یابد. طرطولی می‌گوید که نظام‌الملک سالانه شش هزار دینار برای ساختن مدارس، رباط‌ها و اعانه برای اتقیاء و فقرا صرف می‌کرد (لمبتون، ۱۳۸۲: ۳۸). گروه دیگری که در دربار سلجوقیان از اعتبار بالایی برخوردار بود و نقش به سزایی در اوضاع اجتماعی و حتی سیاسی آن زمان ایفا می‌کرد گروه اتابکان^۵ بود. نهاد اتابکی از نهاد‌هایی بود که از تلفیق فرهنگ عشیرتی با فرهنگ ایرانی وارد ساختار قدرت سلجوقی شد. برخی از صاحب نظران بر آن هستند که این نهاد با رویکرد تربیتی و اجتماعی برای شاهزادگان به وجود آمد، اما در این دوره به تدریج وظایف سیاسی نیز به دست آورد (لمبتون، ۱۳۷۲: ۲۵۳).



جدول شماره ۱. شرایط کلی جامعه در دوران قدرت حکومت سلجوقیان (تا پایان حکومت سلطان سنجر). شیرازه‌های حکومت سلجوقیان بعد از اتمام پادشاهی سنجر از هم پاشید و اوضاع نابسامان اجتماعی تا زمان حکومت طغرل سوم (۵۵۹ هـ. ق. / ۱۲۰۰ م.) و انقراض این سلسله ادامه داشت. جدول ذیل مربوط به دوران ثبات و اوج حکومت سلجوقیان می‌باشد.

	اسامی پادشاهان	گرایش‌های دینی	اوضاع فرهنگی	اوضاع اداری و اقتصادی	اوضاع اجتماعی
۱	طغرل بک ۱۰۴۳-۱۰۶۳ م	مذهب تسنن	ساخت مدارس	مالیت و مصادره اموال	آبادانی شهرها و ترمیم بناها
۲	آلپ ارسلان ۱۰۷۳-۱۰۶۳ م	مذهب شیعه	ساخت کتابخانه‌ها	تجارت و بازرگانی	رفاه عمومی و امنیت شغلی در طبقات مختلف جامعه
۳	ملکشاه ۱۰۹۲-۱۰۷۳ م	فرقه ذمیان	رواج ادبیات و شعر	نظام اقطاع داری و دیوان‌ها	ایجاد امنیت در راه‌ها به منظور تجارت و بازرگانی و ساخت کاروان‌سراها
۴	سنجر ۱۱۵۷-۱۰۹۲ م	فرقه صوفیان	رواج علوم مختلف		دریافت عادلانه مالیت‌ها و رسیدگی به امور مردم توسط حکومت

۳ ویژگی‌های کلی هنر در دوران سلجوقی

این دوره روی هم رفته دوره‌ای است که طی آن در سراسر ولایات ایران اسلامی و در کلیه رسانه‌های آفرینش هنری دگرگونی‌های زیادی به وقوع پیوسته. اسلوب و معیارهایی در معماری، تناسبات شکلی، تصویرگری و زیبایی‌شناسی بنیان نهاده شد که چندین قرن در هنر ایران اسلامی در زمینه‌های یاد شده پایدار ماند (گرابر، ۱۳۹۰: ۵۸۹).

در حالی که از هنرهای بصری دوره‌های قبل از سلجوقیان آثار بسیار کمی در ایران برجا مانده، در دوره سلجوقی این وضعیت به گونه‌ای نمایان معکوس گردید و برای نخستین بار در دوره اسلامی ایران می‌توان با مطالعه‌ی انبوهی از آثار هنری به قدر کفایت ذائقه مقطعی خاص این دوره را سنجید. همچون دوره‌ی امویان این دوره نیز شاهد گسترش

حیرت انگیزی در شکل، فن و اندیشه‌ی هنرهای بصری است (هیلن‌براند، ۱۳۸۶: ۸۸). هنرهای تزئینی اسلامی در دوران سلجوقی مخصوصاً در نیمه‌ی دوم سده‌ی ششم و نیمه‌ی نخست سده‌ی هفتم هجری، در اوج نوآوری و خلاقیت و درخشندگی خود بود و این درخشندگی در موارد استثنایی و اشکال شاداب و زنده (که هر دو از حیث تزئینات، پر مایه و از منظر فنی شگفت آور بود) نه تنها به دلیل استعاری و مجازی بودنش، بلکه به موجب سر راستی و صراحتش نیز بود. حتی اشیا نسبتاً بی ارزشی هم که برای عامه‌ی مردم تولید می‌شد از کیفیت بالایی بر خوردار بود (اتینگهاوزن، ۱۳۹۱: ۴۹۴)؛ چنان که تحول و انقلاب در هنر سفالگری را مقارن حکومت سلجوقیان دانسته و این دوره را عصر زرین سفال‌سازی به شمار می‌آورند (ویلسن، ۱۳۶۶: ۱۴۴). دولت سلجوقی سازمان دهنده‌ی نیرویی بود که سبب پیشرفت هنرهای گوناگون و



به طور کلی با روی کارآمدن سلجوقیان چهار مشخصه اساسی در حکومت ایران پدید آمد که روند توسعه و تحول هنرها را تحت تاثیر قرار داد:

۱. تعادل و موازنه جدید بین گروه‌های نژادی و زبانی.

۲. تجزیه قدرت سیاسی در چارچوب خلافت ضعیف عباسی.

۳. تجدید حیات تسنن و تحدید حدود شیعه و شکوفایی تصوف.

۴. توسعه و گسترش زبان فارسی و آداب و سنت‌های ایرانی (آژند، ۱۳۹۰: ۱۱).

در دوران سلجوقی مرکز ثقل قلمرو اسلامی از سرزمین‌های عربی به آناتولی و ایران انتقال یافت. مراکز سنتی قدرت اسلامی در خاور میانه (دمشق و بغداد) تا اندازه‌ای جای خود را به پایتخت‌های سلجوقی چون مرو، نیشابور، ری و اصفهان داد که همگی در ایران قرار داشتند. (هیلن‌براند، ۱۳۸۶: ۸۹).

هنر سلجوقی در پهنه‌ی گسترده‌ی امپراطوری سلجوقی از سوریه تا شمال هند گسترده شد. در بازه‌ی زمانی حکومت سلجوقیان پایه و معیار بسیاری از هنرهای اسلامی از جمله سفال‌گری، فلزکاری، کتاب‌آرایی و معماری در ایران قوام یافت. نکته حائز اهمیت در این دوره پیدایش و ترویج زبان هنری مشترکی است که در سراسر شرق دنیای اسلام به چشم می‌خورد. این زبان گویای هنری، بی تردید محصول قوام سیاسی و اجتماعی حاکم بر امپراطوری سلجوقی به مرکزیت ایران بود که در سال‌های انحطاط دولت سلجوقی و سال‌های پس از سقوط آن در سال ۱۱۹۴ م. در اوج خود بالندگی خود قرار داشت. پیشرفت‌های فنی عمده‌ی هنر سلجوقی را می‌توان به این دوره متاخر نسبت داد. (هیلن-براند، ۱۳۹۰: ۱۵۸). با افزایش تولیدات - که یکسان- سازی شکل‌ها در آن موثر افتاد - افزایش حمایت‌ها نیز قرین گردید. این حمایت‌ها که اکنون محدود به فضای دربار نشده و به مدد افزایش ثروت در سطح جامعه و کامیابی‌های اقتصادی ابعاد تازه‌ای یافته

شکوفایی استعداد هنرمندان می‌گردید (لمبتون، ۱۳۷۱: ۲۰۲). سلجوقیان خود را بر انگیزانده هنر و صنعت دانسته، هنر را از متعلقات سلطنت و در خدمت دین به شمار می‌آوردند. برخی از هنرها در این زمان به درجه‌ای از بالندگی و پیشرفت نائل آمده که در طول تاریخ هنری ایران کمتر به آن درجه رسیدند (ویلسن، ۱۳۶۶: ۱۴۲؛ پوپ، ۱۳۸۴: ۳۲). "کریستین ویلسن" در کتاب تاریخ صنایع ایران در این باره می‌نویسد: «سلاطین سلجوقی خود را حامی و مشوق صنعت و نمودند و بعضی از مهم‌ترین شاهکارهای صنعتی و معماری ایران در یک قرن سلطه و حکومت آن‌ها و دوره‌ی بعد از آن به وجود آمد. بسیاری از علما معتقدند که معماری اسلامی ایران در زمان سلجوقی به بالاترین مراتب ترقی رسیده و بعضی از صنایع مانند سفال‌سازی و نساجی در این بازه‌ی زمانی چنان بالیدند که در تمام تاریخ ایران کمتر تکرار شد (ویلسون، ۱۳۶۶: ۱۴۲).

"جی گلاک" در کتاب "سیری در صنایع دستی ایران" درباره‌ی فعالیت‌های هنری ترکان چنین می‌نویسد: «در این بین ترکان خود به ندرت به کارهای خلاقانه‌ی هنری می‌پرداختند و بیشتر با دادن سفارشات فراوان، در تشجیع عناصر محلی می‌کوشیدند؛ ولی با این وجود، عقاید اساسی آن‌ها در تغییر سبک که به وضوح به وقوع می‌پیوست، موثر بود» (گلاک، ۱۳۵۵: ۷۳). نقش طبقه‌ی حاکم سلجوقی سازمان‌دهی و تبیین ساختار لازم برای توسعه فضایی هنری در جامعه بود، اگر چه می‌توان گهگاه تاثیرات فرهنگ و هنر صحرانشینی که یادگار موروثی سلجوقیان بود را بر هنر این دوره مشاهده نمود. این خصلت نه تنها بر هنر ایران که بر هنر دولت‌های پر شمار پس از سلجوقیان تاثیر جدی نهاد. نکته بسیار مهم در اینجا آن است که هنر دوره‌ی سلجوقی نشان خود را بر تمام مقولات هنر اسلامی قرون وسطی، از مصر تا سرزمین‌های شرقی، باقی گذاشته است (هیلن‌براند، ۱۳۸۶: ۱۰۸).



همترازی در شمایل‌نگاری بین مناطق و طبقات مختلف جامعه ایجاد گردد. در عین حال خصوصیت اشرافی بعضی از اشیاء، مانند سفالینه‌های منصوب به ری کاملاً مشخص و روشن است در حالی که مصنوعات دیگر خصوصیتی دارند که نشان می‌دهد برای توده‌ی مردم ساخته شده‌اند. با وجود شکوفایی هنری و بعضی نوآوری‌ها در این دوره، سبک‌ها و شگردهای هنری دوره‌ی فاطمیان، غزنویان و دیگر دوره‌های هنری همچنان ادامه یافت. (اتینگهاوزن، ۱۳۹۱: ۴۹۵).

دشواری وقایع‌نگاری در هنر دوره‌ی سلجوقی و برقراری ارتباط بین آثار هنری این دوره و وقایع سیاسی آن از مشکل‌ترین چالش‌های تحلیلی در شناخت هنر سلجوقیان است. سیر سعودی در هنر این دوره هم در اوایل قرن ۵ ه. ق. / ۱۱ م. و هم در اوایل قرن ۷ ه. ق. / ۱۳ م. یافت می‌گردد و بدین ترتیب خارج از گستره‌ی زمانی قدرت سیاسی سلجوقی قرار می‌گیرد (هیلن‌براند، ۱۳۸۶: ۹۰).

سه موضوع شاخص در ساختار هنری این دوره به چشم می‌خورد. نخست شاه‌وار سنتی، با شخصیت‌هایی از پادشاهان، خدم و حشم و ملازمان زن و مرد در حال شکار، چوگان بازی یا رقص و موسیقی. این موضوع غالباً در یک شکل توسعه یافته و کامل بر مصنوعات فلزی نشان داده می‌شود؛ اما برخی از عناصر آن بر سفالینه‌ها و اغلب به طرزی بسیار تزئینی به مثابه چهار چوبی برای موضوعات دیگر نیز یافت می‌شود (گراپر، ۱۳۹۰: ۶۰۷). هنگامی که درباریان سلجوقی و دولت‌های کوچک جانشین آن‌ها، از بزرگترین حامیان هنری محسوب می‌شدند، طبیعی بود که مضامین عمده تزئینی را جلوه‌های مختلف حاکمیت و سلطنت آنان تشکیل دهد. با اینکه این مضامین جنبه‌های واقعی زندگی درباری را جلوه‌گر می‌ساخت، دربار و قدرت آن را به گونه‌ای رمزآمیز و به کمک مفاهیمی همچون گربه سانان، پرندگان شکاری و صحنه‌ی حمله‌ی آنان به موجودات بدشگونی نظیر وزراب و مار، طاووس‌ها و گریفون‌ها به نمایش می‌گذاشتند (اتینگهاوزن، ۱۳۹۲: ۴۹۶).

بود، زمینه‌ساز تبلور تنوعی در ذائقه‌ی جامعه شده که قرآن‌های پر تجمّل و قرآن‌های کاربردی، مسجد‌های شاهانه‌ی بزرگ و مسجد‌های شهرستانی کوچک، سفال زرین‌فام و مینایی گران‌بها (با نقش روی لعاب) و ظروف لعاب‌دار خشن که یادآور هنر عامیانه است در کنار قلم‌زنی مرصع پرتفصیل و قطعات ریخته‌گری شده ساده، نموده‌های آن هستند.

در این دوره مکتب‌های محلی بسیاری را در زمینه‌های مختلف هنری مانند معماری یا سفالگری می‌توان مشاهده نمود. نتیجه‌ی جنبی و طبیعی این فعالیت فشرده، گستره‌ی وسیعی از نوآوری‌های فنی و پیدایش سبک‌های مختلف بود (هیلن‌براند، ۱۳۸۶: ۹۲). به عقیده‌ی "گراپر" بخشی از غنای خارق‌العاده‌ی هنر غیر دینی در این دوره آن بود که می‌توان در کنار هنر درباری انگیزه‌ی هنری کاملاً متفاوتی را تشخیص داد که از بسیاری جهات و به مراتب اصیل‌تر می‌نمود. این هنر را می‌توان دست‌کم به صورت فرضی هنر شهرها نامید (گراپر، ۱۳۷۹: ۱۹۶).

توسعه و پیشرفت بازرگانی که از قرون قبل آغاز شده بود در این دوره ادامه یافت و اتحادیه‌های صنفی گوناگونی تشکیل گردید که دولت نیز با تشویق هنرمندان داخلی و با جلب صنعتگران بیگانه و حمایت از آن‌ها نقشی انکارناشدنی در توسعه‌ی آن داشت. اقداماتی نیز در جهت ایجاد آسایش و رفاه این گروه صورت گرفت؛ چنان که در شهر مرو (پایتخت سلطان سنجر) صاحبان حرف و هنر هر کدام از سازمان و تشکیلات اجتماعی و اقتصادی قابل ملاحظه‌ای برخوردار بودند. دکان زرگرا، ریخته‌گرا، فلزکاران و سفالگران به صورت گروهی، در محل‌هایی مخصوص قرار داشتند.

نقوشی که مورد عنایت یک طبقه بود به سرعت در میان طبقه دیگر هم با اقبال روبرو می‌شد. مضامین نقوش و تزئینات کتب خطی بر سایر هنرها، به ویژه سفالینه‌ی چند رنگ لعابی منقوش و کاشی‌های زرین‌فام، تأثیر گذاشت و در مقابل تأثیرات اندکی نیز پذیرفت تا نشانه‌های تکلف در همه‌ی بخش‌های هنر این دوره رسوخ کرده و نوعی



مراقبه نامید. آثار مربوط به این گروه جنبه‌ی کاربردی ملموسی داشته و جدا از کیفیت و تکنیک ساختشان اشیایی کاملاً کاربردی محسوب می‌شوند. اشیایی که چه به لحاظ نمادین و چه در عالم واقع، برای انجام کاری ساخته شده‌اند؛ خواه این کار ریختن آب یا باده باشد، خواه نگهداری گل یا حلویات. بنابراین موضوع، احتمال می‌رود تصاویر با هدف نمایش جنبه‌های کاربردی این مصنوعات یا تعریف رابطه‌ی میان مالک یا سازنده با آن شی بوجود آمده باشند (گراپر، ۱۳۹۰: ۶۰۹). در ایران نیز همچون سایر بلاد اسلامی در این برهه‌ی زمانی، منقولات کاربردی روزمره بواسطه‌ی تزئینات و تجملات افزوده شده بر آن به مصنوعی ارزشمند تبدیل شد (همان، ۷۳۴). نوشته‌های مکتوب بر این اشیاء جهت درک بهتر کاربرد آن، یا دعائی بوده برای مالکی ناشناس (در صورت سفارشی بودن با ذکر نام مالک شی جنبه‌ای کاملاً شخصی می‌یافت)، یا نوشته‌ای که آرزو می‌کند آن شی کارش را به بهترین نحو ممکن انجام دهد.

۴ تاثیر سرمایه‌گذاری حکام و اشراف بر هنر سفال‌گری عهد سلجوقی

سفال‌گری نیز همانند دیگر رشته‌های هنری در دوران سلجوقی چه از نظر تکنیک ساخت و چه از منظر نقوش و تزئینات به مراتبی متعالی دست یافت. مهمترین ویژگی هنر سفال‌گری در این دوره که آن را از دیگر هنرها و صناعات هم عصر خو جدا می‌ساخت، مخاطبان و حامیان آن بوده که بخش عمده‌ی آن را سرمایه‌داران، خرده سرمایه‌داران و طبقه متوسط جامعه تشکیل می‌داد. بر همین اساس آثار فاخر سفالی ورای زیر و بم سیاسی دوره‌ی سلجوقی، در سراسر این برهه‌ی زمانی تولید می‌گردید؛ در حالی که سایر محصولات هنری تنها به محدوده‌ی زمانی مجد و شکوه سلجوقیان تعلق دارند. از طرفی سفال‌گری این دوره دارای شاخصه-

موضوع دوم، نجوم است. این موضوع شامل نقوش نمادین بروج دوازده‌گانه و نماد سیارات بود. گروه جالبی که احتمالاً در آذربایجان ساخته شده دارای نقوشی از بروج و اهلای قمر می‌باشد. آوردن این مضامین در سفالینه‌ها کمتر معمول بوده و بیشتر بر اشیایی یافت می‌شوند که سبک و ترکیب آن‌ها فلزکاری را به خاطر می‌آورد (گراپر، ۱۳۹۰: ۶۰۸).

اعتقادات عامیانه در مورد ماه تولد هر فرد و صورت فلکی نمایانده آن در همواره در باور جوامع اسلامی جای داشته اما به نظر می‌رسد استفاده از صور فلکی مشخصی در آثار هنری سده‌های نخستین اسلامی معمول نبوده و تمامی اشیاء مزین به این موضوع، تمامی دوازده علامت را دارا بوده‌اند (آلن، ۱۳۸۳: ۳۴). با وجود عقاید ژرف آئین اسلام در میان تمامی اقشار جامعه، اعتقاد به باورهای مربوط به صور فلکی در بخش‌های گوناگون زندگی جریان داشته و در فکر و ذکر حکام، بازرگانان و دریانوردان عاملی مهم در پیشگیری از خطرات و وقایع ناخوشایند بود. اما از همه شگفت انگیزتر بازنمایی و رمزآلود حضور غیر قابل توصیف خداوند بود که در هیأت مشکات و مصباحی جلوه می‌یافت (اتینگهاوزن، ۱۳۹۲: ۴۹۷).

موضوع سوم کمی دشوار و پیچیده بوده و شاید تعبیری دگر گونه از صحنه‌های شاهانه باشد. صحنه‌های مربوط به این موضوع بیشتر بر سفالینه‌ها نقش شده و در ساده‌ترین شکل خود یک یا دو شخص را نشان می‌دهد که بی حرکت کنار هم آرمیده یا گه‌گاه نزدیک آب یا سایه‌ی درختی سازی می‌نوازند. در نمونه‌هایی اندک نظیر بشقاب‌های معروفی که در موزه متروپولیتن نگهداری می‌شود، اشخاص بیشتری به صحنه اضافه شده و احتمال داده می‌شود که این تصاویر به گروه موضوعی نخست تعلق داشته باشند. با این وجود حس و حال نهفته در آثار مربوط به این گروه با آثار دو گروه پیش تفاوت‌های داشته و همه‌ی آنها با دریافتی غریب از واقعیتی مجرد و غیر مادی درآمیخته‌اند که بر همین اساس می‌توان این گروه موضوعی را گروه عشق و



قابل پیگیری و تحلیل نیست اما هنرمندان سفال‌گر نقوش فلزات را در آثارشان به کار بستند؛ در نتیجه عده‌ای از سفال‌های این دوره به صراحت تاثیر سنت‌های هنر فلزگری دوره‌ی ساسانی را در نقوش خود منعکس می‌نماید. از جمله می‌توان به سفالینه‌های تولید شده در شهر ری اشاره نمود که به شکلی مملوس متأثر از هنر دوره‌ی ساسانی بوده به صورت اختصاصی برای اشراف و حکام تولید می‌گردید. این نقوش شامل نقش درباریان و اشراف، صحنه‌ی تاج‌گذاری شاهان، نقش سواران، نوازندگان و صحنه‌های بزم و شکار بود که همگی یاد آور نقوش تزئینی ظروف زرین و سیمین دوران ساسانی است. علاوه بر مضامین تصاویر و نقوش، بزرگنمایی شخصیت‌های برجسته نسبت به سایر افراد حاضر در نقش بود که از ویژگی‌های بارز تصویرگری در هنر دوره‌ی ساسانی است.

به طور کلی تمایز آثار متعلق به خواص و عوام در هنر سفال‌گری سلجوقی دشوار است. اما باید اذعان داشت که واقع‌گرایی در تصویر کردن امور روزمره و داستان‌های عامیانه، از ویژگی‌های بارز هنر عوام در مقابل جنبه‌های آرمان‌گرایانه‌ی هنر خواص بود که توجه به آن امکان تشخیص عام یا خاص بودن مخاطب محصول را در این هنر مهیا می‌سازد (جدول شماره‌ی ۲).

هایی است که از محدوده‌ی تسلط دربار و هنر شاهانه خارج شده و ریشه‌در سلیقه‌ی طبقات عام جامعه دارد؛ چنان که به گفته‌ی اتینگهاوزن تعداد زیادی کاسه سفالی کوچک با تزئینات ساده اما جذاب از کاوش‌های شهر نیشابور به دست آمده که نمی‌توان آن‌ها را رده‌ی اشیاء فاخر و لوکس این دوره طبقه بندی نمود و تنها توضیحی که می‌توان در مورد آنان داد این است که این ظروف برای طبقه‌ی ضعیف و فقیر نیشابور ساخته شده‌اند (Ettinghuozen: 1969: 114).

با تمام این اوصاف قرار گرفتن سفال‌گری در خدمت طبقات متوسط جامعه به معنای ترد کامل آن توسط خواص نبوده و در حقیقت با دو قالب متفاوت، یکی شاهوار و درباری که تامین کننده‌ی سلیقه‌ی خواص و بزرگان بود و در ابعاد محدود تولید می‌گردید و دیگری شهری و عامه‌پسند که ویژگی‌های متعلق به طبقات پائین‌تر جامعه را متجلی می‌نمود.

عمده دلیل محبوبیت و رواج محصولات سفال‌گری در میان طبقه‌ی عام جامعه، ماده‌ی اولیه ارزان و سهل‌الوصول آن است. سفال زرین فام که در این دوره حضور درخشانی داشت به علت قیمت نازل تر نسبت به ظروف زرین و سیمین با استقبال از طرف طبقه‌ی متوسط جامعه روبرو گردید (نیک‌خواه، ۱۳۹۰: ۱۱۲).

به طور کلی تاثیرات هنر ساسانی بر سفال‌گری ایران در عهد سلجوقی به اندازه‌ی آثار فلزی این دوره

جدول شماره ۲. تاثیر سرمایه گذاری فرهنگی حکام و اشراف بر هنر سفالگری

توصیف اثر	اثر	نوع نقش	
کوزه سفالی با تزئینات مشکی از بزهایی در حال دویدن در زیر لعاب فیروزه‌ای. ایران، ری، دوره سلجوقی، قرن ۱۲ میلادی. ارتفاع ۱۲،۷۰ سانتی‌متر. موزه هنری متروپولیتن (The Metropolitan Museum of Art,) (Accession Number: 67.104).		حیوانات واقعی	۱
پارچ مشبک سفالی با طرح‌های هارپی. طرح زیر لعابی آبی و مشکی نقاشی شده در زیر لعاب فیروزه‌ای. ایران، کاشان، دوره سلجوقی. تاریخ ۱۲۱۶ - ۱۲۱۵ میلادی. ارتفاع ۲۰،۳۲ سانتی‌متر (The Metropolitan Museum of Art,) (of Art, Accession Number: 32.52.1).		حیوانات اساطیری	۲
مجسمه هارپی (جانوری که تن و رخسار زن و بال و چنگال مرغ را داشت). گچ و سفال با نقاشی‌های درخشان. ایران، ری، دوره سلجوقی، اواخر قرن ۱۲ میلادی. ارتفاع ۶۴،۱۳ سانتی‌متر. موزه هنری متروپولیتن (منبع).			

کوزه سفالی مینایی، قرن هفتم هجری، ری، در قسمت نار پایینی ظرف نقشو حیوانات به شکل هارپی دیده می‌شود (The Metropolitan Museum of Art, Accession Number: 17.120.44).			
--	--	--	--

جدول شماره ۲. تاثیر سرمایه‌گذاری فرهنگی حکام و اشراف بر هنر سفالگری

توصیف اثر	اثر	نوع نقش	
کاسه خمیر شیشه‌ای، با تزئینات مینایی، ارباب جوان به همراه ملازمان. نقش ارباب و یکی از شخصیت‌ها بزرگتر رسم شده است (منبع).		نقوش انسانی	۳
کاسه‌ای با سرگرمی‌های موسیقی. نقاشی-های برجسته سفالی. ایران، ری، دوره سلجوقی، اواخر قرن ۱۲ میلادی. قطر ۲۱،۲۶ سانتی‌متر. موزه هنری متروپولیتن. مجموعه هاومایر (منبع).			
بشقاب زرین فام، کاشان، اوایل قرن هفتم هجری، موزه آشمولین، آکسفورد (منبع).			



کاسه مینایی، کاشان، قرن هفتم هجری. نقش درخت زندگی (The Metropolitan Museum of Art, Accession Number: 1975.1.1643).		نقوش گیاهی	۴
کاسه سفالی مینایی با نقش درخت زندگی، قرن ۱۲ میلادی، موزه آشمولین آکسفورد (Museum of Art and Archaeology) University of Oxford, Accession no. EA1956.36).			

۵ گرایش‌های مذهبی و دینی حکام و اشراف

و مورد احترام بزرگان قرار گرفت. شافعیان جبر گرا بوده و به قدرت مطلق خداوند و تاثیر نداشتن اراده-ی انسان در سرنوشتش معتقد بودند. پادشاه را نماینده خداوند بر روی زمین پنداشته و اعتراض به فرمان و دستور وی را در هیچ موردی جایز نمی-دانستند. فعالیت‌های خواجه نظام الملک در توسعه‌ی آموزه‌های فرقه‌ی شافعی و حمایت‌های بی دریغ وی و درباریان از علمای این فرقه به نزدیکی هر چه بیشتر طبقه‌ی حاکم و روحانیت در زمان صدارت او کمک نمود. این فرآیند تأثیری عمیق بر جریان‌های هنری نهاد تا به آن جا که «ژوزه باستید» معتقد است: «گروه‌های دینی مخصوصاً تأثیر بسیار نیرومندی بر گسترش هنرها گذاشته‌اند» (باستید، ۱۳۷۴: ۶۶).

با ورود اسلام به ایران و نفوذ چارچوب‌های فکری وابسته به آن در جریان‌های اجتماعی و فرهنگی جامعه، زمینه برای تحولاتی عمده فراهم گردید که هنر نیز از آن بی بهره نماند. با گذشت زمان، نفوذ اجتماعی طبقه‌ی حاکم و مرفه جامعه و رابطه‌ی حسنه‌ی آنان با طبقه‌ی روحانیت در اعمال سلیقه‌ی آنان بر فحوی و نحوی اجرای این قوانین تأثیر گذارد و با ارائه مدل عقیدتی مطابق با خواست این طبقه، سمت و سویی نو به تحولات اجتماعی وابسته به آن بخشید. این مسئله در تشتت گرایش‌های مذهبی و تحولات متأثر از آن در دوره‌ی سلجوقی نقشی کلیدی ایفا نمود.

سلجوقیان قبیله‌ای سنی مذهب بوده که از ابتدای ورود به ایران تا پیش از صدارت «خواجه نظام الملک» از پیروان و حامیان فرقه‌ی حنفی بودند. پس از ورود خواجه نظام به دربار و تحت تأثیر گرایش‌های مذهبی وی، فرقه‌ی شافعی به رسمیت شناخته شده

۶ تاثیر گرایش‌های مذهبی و دینی حکام و اشراف در هنر سفال-گری

در تزئین سفالینه‌ها همانند مصنوعات فلزی از خط و کتیبه با محتوای ادعیه‌ی خیر و ضرب‌المثل‌ها استفاده می‌شد؛ اما این آریه در هنر سفال‌گری هیچگاه به ظرافت و تعالیش، آنچنان که در هنر فلزگری رسیده بود، دست نیافت. این مسئله ریشه

در سلیقه و سطح توقع مخاطبان عمده‌ی سفالینه‌ها، یعنی همان طبقه‌ی متوسط جامعه داشت. با توجه به تولید بخش وسیعی از آثار سفالی به دست مردم عامه ردیابی گرایش‌های طبقات بالای جامعه در این آثار نسبت به مصنوعات فلزکاری دشوارتر است. با این وجود محتوای کتیبه‌ی سفالینه‌ها بر مبنای گرایش‌های مذهبی و سلاطین فرقه‌ای طبقه حاکم و مرفه جامعه (که البته با مصالح سیاسی و اجتماعی آنان هم بی‌ارتباط نبود) شکل گرفته و منتشر می‌شد (جدول شماره‌ی ۲).

جدول شماره‌ی ۳. تاثیر گرایش‌های مذهبی حکام و اشراف بر هنر سفالگری

عنوان اثر	اثر	توصیف اثر
۱		تنگ با نقش برجسته نیلی رنگ شفاف، قرن ششم و هفتم هجری، ارتفاع ۱۶ سانتی‌متر، دانشگاه فیلادلفیا. تزئینات کتیبه‌ای بر دیواره‌ی ظرف قابل مشاهده می‌باشد (منبع).
۲		کاسه سفالی زرین فام، کاشان، تاریخ ۱۲۰۳ میلادی، موزه آشمولین، آکسفورد. تصویر شش زن در داخل ظرف و دو ردیف تزئین کتیبه‌ای در اطراف (منبع).



جدول شماری ۳. تاثیر گرایشات مذهبی حکام و اشراف بر هنر سفالگری

عنوان اثر	اثر	توصیف اثر
۳	کاسه مینایی	کاسه مینایی، قرن هفتم هجری، در چند ردیف در داخل ظرف تزئینات کتیبه‌ای در فرم‌های مختلف داخل ظرف قابل مشاهده می‌باشد (منبع).
۴	کاسه با نقوش نیلی	کاسه با نقش نیلی و سیاه، کاشان، آغاز قرن هفتم هجری. تزئینات کتیبه‌ای در نوارهایی که از سمت حاشیه به مرکز ظرف طراحی شده‌اند قابل مشاهده می‌باشد (منبع).

۷ گرایش به علم نجوم و ستاره شناسی در میان حکام

علم نجوم و ابزار نجومی پس از ظهور اسلام به دلیل ضرورت‌ها و نیازهای روزمره‌ی مسلمانان به آگاهی از مسائلی نظیر زمان طلوع و غروب خورشید جهت تعیین اوقات شرعی، رصد اجرام آسمانی و تشخیص آغاز و پایان سال و ماه، تعیین موقعیت جغرافیایی به ویژه در سفرهای دریائی و طالع بینی و تشخیص سعادت و نحوست روزها و شب‌ها و ساعات مختلف، به یکی از مهم‌ترین پدیده‌های علمی تبدیل شد (افروغ، ۱۳۹۱: ۶۹).

توجه به این علم در دوره‌ی سلجوقی به ویژه در زمان حکومت سلطان «ملکشاه» گسترش یافت. اگر چه توصیف دقیق فعالیت اخترشناسان در این دوره به علت اطلاعات ناقص و اندک که در دست است، چندان میسر نیست؛ اما وجود این گرایش در میان حکام سلجوقی قطعی و مسلم است و منجمان در دربار حاکمان، جایگاهی درخور توجه داشت. بنا به دستور سلطان ملکشاه تقویم و تاریخ شمسی

جدیدی تدوین گردید که مبدأ آن نهم رمضان سال ۴۷۱ هجری، مصادف با روز اعتدال ربیعی سال ۱۰۷۹ میلادی بود و از آن پس هر نوروز با اول بهار یا روز اعتدال ربیعی مصادف می‌گشت. بر اساس یک گزارش تاریخی گروهی از اخترشناسان از جمله «خیام نیشابوری» در فرآیند تدوین تقویم جدید مامور شده و از حمایت مالی هنگفتی در این خصوص بهره‌مند گردیدند. در «نوروزنامه» (اثری که به خطا به خود خیام نسبت یافته) آمده است: «ملکشاه حکما را از خراسان بیاورد و فرمود هر آلتی که رصد را به کار آید بساختند» (منبع). اما مولف اشاره‌ای به شرکت خود در این مهم نمی‌کند. در زمان حیات او فعالیت در رصدخانه‌های ری و اصفهان آغاز شد. به طور کلی محل رصد خانه‌ها مورد بحث است و حدسیات زیادی در این خصوص مطرح شده است که محل آن را، در شهرهای مختلفی از مرو تا بغداد قرار می‌دهند. «ابو جعفر محمد نامی» در توصیف کارهای خود برای مشخص ساختن پارامترهای خورشیدی که در آمل انجام گرفت می‌گوید: «... که ملکشاه بفرمود تا در سال ۴۷۶ ه. ق. / ۱۰۸۳ م. در اصفهان به ارساد ستارگان پردازند» (منبع).

به سرمایه گذاری مادی و معنوی در علم نجوم پرداخته و به انتشار آن کمک می‌کردند.

تاثیر گرایش به علم نجوم و ستاره شناسی در میان حکام در هنر سفالگری

ایجاد نقوش مربوط به طالع بینی و نجوم به اندازه‌ای که در آثار فلزی موجود است در سفالها دیده نمی‌شود. پرنک بودن این مفاهیم در آثار فلزی به علت ساخت ادوات فلزی رصدخانه‌ها توسط هنرمندان بود و ایشان را به این گرایش‌ها به نوعی نزدیک‌تر می‌ساخت. به هر شکل این مفاهیم گاهاً در آثار سفالین مشاهده می‌شود که نشان دهنده‌ی تاثیر پذیری این هنر از هنر فلزگری است (جدول شماره‌ی ۴).

”خازنی“ در مقدمه ”زیج سنجرى“ (که در سال ۵۰۹ هـ. ق. / ۱۱۱۵ م. به اتمام رسید و به نام پسر و جانشین ملک‌شاه نامگذاری شد)، توصیفی از چندین آلت نجومی و روش‌های رصدگیری دارد، اما ذکرى از ارساد ستارگان در ایام پادشاهی ملک‌شاه نمی‌کند (). ارسادهایی در کاخ سلجوقی در بغداد در جریان بود که توسط ”ابوالقاسم اسطرلابی“ صورت می‌گرفت، اما این ارسادها هرگز به اتمام نرسید (کندی، ۱۳۹۱: ۶۳۳-۶۳۴).

با این اوصاف علم نجوم و ستاره‌شناسی در نظر حکام از اهمیت بالایی برخوردار بود و آنان با سرمایه گذری‌های کلان در این زمینه ضمن توسعه فضای علمی لازم برای آن (نظیر رصدخانه‌ها) در مراکز حکومتی و شهرهای بزرگ، با طرح پروژه‌های نظیر تدوین کتب علمی و تقویم‌های جدید و دقیق، قویا

جدول شماره‌ی ۴. تاثیر گرایش حکام و اشراف به علم نجوم در هنر سفالگری

عنوان اثر	اثر	توصیف اثر
۱	کوزه زرین فام	کوزه زرین فام، ایران، کاشان، قرن هفتم هجری، دوازده علامت منطقه البروج بر بدنه ظرف (آلن، ۱۳۸۳: ۳۵).
۲	بشقاب مینائی	بشقاب مینائی، شمال ایران، نقش فیگورهای شاهانه، به همراه ۶ سیاره در اطراف مرکز ظرف که نمادی از خورشید است ().



۸ نتیجه‌گیری

در دوره‌های مختلف شاهد حضور حامیان هنر از طبقات متفاوت جامعه هستیم. دوره‌ی مورد مطالعه در پژوهش حاضر (سلجوقیان) به لحاظ تولید آثار هنری چه از نظر سبک و شیوه ساخت و چه از نظر نوع تزئینات بسیار حائز اهمیت است و آثار باقی مانده از آن چه آثار منقول و چه غیرمنقول، ما را با حجم عظیمی از خلاقیت و تنوع مواجه می‌کند، که در نوع خود مثال زدنی است. تزئینات و روش‌های متفاوت در ساخت آثار فلزی و سفالی، شیوه‌ها و سبک‌های ساخت بناهای معماری و همچنین وفور این تولیدات قطع به یقین نشان از حمایتی همه جانبه از هنر و هنرمند در این دوره دارد.

حکام و اشراف سلجوقی بنا بر دلایلی که ذکر شد، حمایت از هنرمندان و تولید آثار هنری را در برنامه‌های خود جای دادند و گرایش‌های خود را به هنرمندان تحمیل کردند. در این دوره تا پایان حکومت ملک‌شاه و در مواردی سلطان‌سنجر یعنی آخرین حاکم بزرگ سلجوقی، شاهد اوضاع اجتماعی مساعد و به سامانی هستیم که تاریخ ساخت بناهای معماری و گروهی از آثار فلزی مربوط به همین دوره موید این مسئله است. اما دوره‌ی دوم حکومت سلجوقیان (بعد از حاکمیت سلطان سنجر تا زمان سقوط این سلسله)، دوره‌ی بروز نابسامانی‌های سیاسی و اجتماعی است؛ ولی با این وجود تولیدات آثار هنری ادامه داشته و تاریخ تعدادی از آثار فاخر سلجوقی مربوط به دوران افول این حکومت است که این مسئله نشان دهنده وجود حمایتی خارج از طبقه حاکم برای آثار هنری است.

پس از بررسی زمینه‌های تاریخی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی دوره‌ی سلجوقی می‌توان به پاسخ سوالات پژوهش حاضر دست یافت. حکام سلجوقی از طریق عوامل مستقیم و غیر مستقیم بر شکل‌گیری آثار، محتوا و فرم‌های هنری تاثیر گذاردند. حکام سلجوقی با تکیه بر سنت‌های ساسانی مشروعیت خود را نزد مردم جامعه افزایش

می‌دادند. این تاثیر پذیری از سنت‌های ساسانی به خصوص در پلان‌های معماری و ساخت مساجد و مدارس چهار ایوانی نقش اساسی داشت و معماری این دوره را به تکیه‌گاهی برای دوره‌های آینده مبدل کرد. در فنون و روش‌های فلزکاری و سفال‌گری و همچنین نقوش مورد استفاده در این دو رشته به تاثیر هنر ساسانی پی می‌بریم.

نکته بعدی گرایش‌های دینی حکام و اشراف و تعصب آن‌ها به مذهب تسنن بود. به طور کلی باید گفت که بنای مدارس در این دوره توسط نظام‌الملک با هدف ترویج و تبلیغ و آموزش تسنن و به خصوص فرقه شافعی ایجاد شد و زمینه را برای ساخت مساجد چهار ایوانی فراهم آورد. همچنین تعصبات ایشان بر سر آموزه‌های دینی و اجتناب از پیکرنگاری باعث به وجود آمدن تزئینات کتیبه‌ای در آثار فلز-کاری و سفال‌گری شد و در راستای آن هنرمندان به خلاقیت‌های جدید دیگری دست پیدا کردند، هر چند که منع پیکرنگاری در خیلی از موارد نیز نادیده گرفته می‌شد و یک قانون کلی نبود.

علاقه پادشاهان سلجوقی به علم نجوم و ساخت رصدخانه‌ها و سفارشات متعدد آن‌ها برای ساخت وسایل و ابزار مورد نیاز باعث خلق گروهی از آثار در این زمینه شد که اسطرلاب‌ها نمونه‌ی بارزی از این ابزارها می‌باشد. اسطرلاب‌ها در این دوره علاوه بر کارکرد خاصشان از ویژگی‌های هنری شامل تزئینات گیاهی و کتیبه‌ای برخوردار شدند و بعد از مدتی این تزئینات به حیطه‌ی سفالگری نیز راه یافت اما تعداد این آثار هیچ گاه به آثار فلزی نرسید.

آخرین مسئله‌ای که به نوعی تاثیر غیر مستقیم حکام و اشراف را در ایجاد آثار هنری بر ما نمایان می‌کند. ایجاد فضای شهری مناسب توسط حکام اولیه سلجوقی است. شرایط مساعد اجتماعی برای طبقات مختلف جامعه تولید آثار هنری را افزایش می‌دهد. این شرایط مساعد زمینه را برای تجارت و بازرگانی فراهم کرد. یکی از مهم‌ترین این آثار، آثار سفال‌گری می‌باشد و در مواردی سفال‌های دوره‌ی سلجوقی دارای ویژگی‌های هنر عوام هستند، ویژگی-



هایی که تا آن دوره در آثار هنری به سختی قابل رویت می‌باشد.

منابع:

۱. حاتم، غلام‌علی. (۱۳۷۸)، *معماری ایران در دوره‌ی سلجوقیان*، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
۲. مستوفی، حمدالله. (۱۳۶۴)، *تاریخ گزیده*، به اهتمام عبدالحسین نوایی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۳. حلمی، کمال‌الدین احمد. (۱۳۸۳)، *دولت سلجوقیان*، ترجمه عبدالله طاهری، تهران: انتشارات پژوهشکده حوزه دانشگاه.
۴. لمبتون، آن. ک. س. (۱۳۹۰)، *سیری در تاریخ ایران بعد از اسلام*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۵. راوندی. (۱۳۶۴)، *راحتہ الصدور و آیه السرور در تاریخ آل سلجوق*، به کوشش محمد اقبال، تهران: انتشارات امیر کبیر.
۶. عقیلی، سیف‌الدین حاجی ابن نظام. (۱۳۳۷)، *آثار الوزرا*، به تصحیح میر جلال‌الدین حسینی ارموی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۷. بنداری اصفهانی، فتح بن علی. (۱۳۵۶)، *زبدہ النصر و نخبة النصر*، ترجمه محمد حسین جلیلی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
۸. لمبتون، آن. ک. س. (۱۳۸۲)، *مالک و زارع در ایران*، ترجمه‌ی منوچهر امیری، تهران: انتشارات بنگاه.
۹. گرابر، الگ. (۱۳۹۰)، *هنرهای تجسمی در تاریخ ایران کمبریج*، گردآورنده جی آ بویل، ترجمه حسن انوشه، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۱۰. هیلن براند، رابرت. (۱۳۸۶)، *هنر و معماری اسلامی*، ترجمه اردشیر اشراقی، تهران: انتشارات فرهنگستان هنر.
۱۱. اتینگهاوزن، ریچارد. الگ گرابر. (۱۳۹۱)، *هنر و معماری اسلامی*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: انتشارات سمت.
۱۲. ویلسن، جی کریستین. (۱۳۳۶)، *تاریخ صنایع ایران*، ترجمه عبدالله فریار، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
۱۳. لمبتون، آن. ک. س. (۱۳۷۱)، *تاریخ میانه ایران*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: .
۱۴. پوپ، آرتور اپهام. (۱۳۳۸)، *شاهکارهای هنری ایران*، ترجمه پرویز ناتل خانلری، تهران: انتشارات بنگاه.
۱۵. اتینگهاوزن، ریچارد. الگ گرابر. (۱۳۹۱)، *هنر و معماری اسلامی*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: انتشارات سمت.

16. Ettinghausen, Richard. (1969), The Flowering of Seljuq Art, The Metropolitan Museum of Art, Pp. 113-131.

17. The Metropolitan Museum of Art (n. d.), Art Collection, retrieved October 03, 2015 from

<http://www.metmuseum.org/Collection>
s.

18. Museum of Art and Archaeology University of Oxford (n. d.), New beginnings, retrieved October 02, 2015 From

<http://jameelcentre.ashmolean.org/collection/6/653/656>.